



۲۰۲۰/۰۳/۲۶



دوکتور محمد ظاهر عزیز

کودک بیمار از ضیاء قاریزاده

دوستان عزیز و صاحب فرهنگ سلام.

چندی قبل مضمونی را در یاد یکی از شاعران و مردان بزرگ فرهنگ افغانستان، مرحوم احمد ضیاء قاریزاده، با دوستان شریک نمودم.

خوب مطلع هستید که در این روزهای سرد زمستان صدها طفل یتیم و بیمار در سرک های شهر ها و یا قریه های کشور ما به گدایی نشسته اند، اما هیچ کسی از مقامات دولتی نیست که به داد آنها برسد و به آنها و یا زنان بیوه و درمانده دست مروت دراز نماید زیرا آنها، هنوز هم یا مصروف جنگ و جدل سیاسی به منظور کسب قدرت هستند و یا در فساد، مصروف جمع آوری پول از هر مدرکی که دست یابند، می باشند. من امیدوارم که این شعر که چندین سال قبل از طرف مرحوم ضیاء قاریزاده سروده شده، احساسات انسانی را در آنها اندکی زنده سازد و به داد گرسنگان بیمار برسند:

کودک بیمار

پیش پدر نادار، می کرد شکایت ها	دی کودک بیماری از رنج برودت ها
امشب خنک افزوده بسیار به شدت ها	میگفت که بابا جان، ترسم که بمیرم زار
کز مرگ دهد برمن هر لحظه بشارت ها	این باد زمستان است یا آه غریبان است
لیکن چه تبی کو را سرد است حرارت ها	افکنده خنک امشب تب لرزه به اندام
درد و مرض هر لحظه برمن کند هیبت ها	شلاق هوا کوبد هر دم به سر و پایم
آرد سرما سرما محنت سر محنت ها	بارد ز هوا بر ما، گه برف و گهی باران
آه از غم بیماری، داد از غم غربت ها	با رنج و محن عمریست میسوزم و میسازم

تا گرم کند پایم، کو آتش گلخن ها
تا رفع کند دردم، کو محرم دلجویی
دیشب شکم خالی، خفتیم به روی خاک
بردیم به جای آب خون در دل پیمانہ
از جوش چکک بودیم، دیشب همه شب بیدار
گر قطب جنوبی نیست این خانہ سرد ما
ایوان مداین را در کلبہ ما بنگر
چون چشم یتیمان است، نمناک در و دیوار
زین دخمه که ما داریم، ظلمات سکندر به
این ارسی وین کلکین، بی شیشه به روی ما
این کاسہ بشکسته و آن کوزہ بی دسته
این جعفری کهنه مال پدر لیلاست
از کهنه لحاف ما گر چرخ خبر می داشت
اندر خور رحمت هاست، اوضاع غریبی چند

اجری که "ضیاء" جوئی، از کعبہ دلها جوی

این است عبارت ها، این است عبادت ها



کودک بیمار از ضیاء قاریزاده

zaher_aziz_kodak_e_bimaar_zia_qarizada.pdf